

سیمای دنیا در نگاه فردوسی و ابوالعتهایه با استناد به قرآن و احادیث

جواد کبوتری^۱

چکیده

قرآن کریم و احادیث از آغاز تا کنون به خاطر داشتن بار معنایی و برخورداری از جمال لفظی و معنویت غیر قابل وصف، همواره الگویی مناسب برای بسیاری از شاعران بوده است. با تأمل در اشعار فردوسی و ابوالعتهایه فهمیده می شود که این دو شاعر برای تبیین مفاهیم در موارد زیادی قرآن را مورد استناد قرار داده اند. یکی از شالوده های فکری این دو شاعر که در اشعارشان به خوبی تبیین شده است، مذمت، نکوهش و تحقیر دنیا و دل بسته نبودن به آن است. از نگاه آنان دنیا مجموعه ای از امور فریبنده، ناپایدار، سرشار از مکر و خدعه، لبریز از رنج و گرفتاری است. ممکن است اسباب راحتی انسان را فراهم کند، ولی زندان انسان مومن است. دنیا با همه زیبایی که دارد زودگذر و فانی است و لازم است از این سرای موقتی توشه ای برای سرای جاودان برداشت. هدف تحقیق این است که با بررسی آموزه های دینی و تأثیری که در افکار این دو شاعر بر جای گذاشته، ماهیت دنیا و نوع جهت گیری صحیح انسان را نسبت به دنیا تعیین نماید. این تحقیق به شکل کتابخانه ای و تطبیقی به انجام رسیده و این نتیجه حاصل شده است که فردوسی و ابوالعتهایه در تفسیر و تبیین ماهیت دنیا از آموزه های دینی بهره فراوانی برده اند و معانی مستفاد از اشعار این دو شاعر در مبحث دنیا بسیار به هم نزدیک است.

کلید واژه ها: قرآن، احادیث، فردوسی، ابوالعتهایه، دنیا.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهشت، دانشگاه آزاد اسلامی، دهشت، ایران

مقدمه

آیات قرآن کریم و روایات، دنیا را به شدت سرزنش کرده و از آن به عنوان زندگی فانی و سرای فریب یاد کرده است. از طرف دیگر آسمان، زمین، کوه، دریا، صحرا، نبات، حیوان و انسان را با همه نظام ها و حرکت هایی که دارند باطل نمی شمارد بلکه برعکس، این نظام را نظام راستین و حق می داند و خدای متعال به موجودات و مخلوقات عالم از جماد، نبات و حیوان گرفته تا خورشید و ماه و شب و روز سوگند یاد کرده و این نشان دهنده اعتباری است که خدا برای آنها قائل است.

آن چیزی که از روایات به دست می آید این نیست که اساساً علاقه و محبت به کائنات بد است و راه چاره هم این نیست که علایق و محبت ها را باید سرکوب کرد، بلکه آنچه از نظر اسلام زشت و ناپسند است وابستگی و دلبستگی به دنیا و راضی شدن به آن و فراموش کردن آخرت است.

«ظهور آیات و مفاهیم قرآنی و احادیث و روایات در شعر و ادبیات قبل از هر چیز بیانگر تأثیر متون دینی بر ادبیات فارسی و عربی است. نویسندگان و شاعرانی که با فرهنگ و معارف اسلامی همدم بوده اند به گونه ای بارز و چشمگیر، هنرشان را با آیات قرآنی و احادیث و روایات، غنائی خاص بخشیده اند. حکیم ابوالقاسم فردوسی و ابوالعتاهیه از جمله این شاعران هستند که عمری با آیات قرآن و مضامین و مفاهیم ولای آن و احادیث و روایات مانوس بوده اند و طبیعی است که زیبایی ها و لطافت های لفظی و معنوی آموزه های دینی بر ادبیات تأثیر گذار بوده است.» (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۶۵)

یکی از موضوعاتی که به طور مشترک در دیوان این دو شاعر مورد توجه قرار گرفته است، مذمت و نکوهش و تحقیر دنیا است و دنیا در نگاه آن دو مجموعه ای از امور فریبنده، ناپایدار، سرشار از مکر و خدعه، لبریز از رنج و گرفتاری است؛ دنیا محل گذر و معبر انسان ها است و با همه زیبایی هایی که دارد، ناپایدار و فانی است.

«انسان نباید زیاد خود را به این دنیا متعلق بداند و آخرت را فراموش کند و در نتیجه سر به طغیان برافرازد و همین که این دو شاعر احساس می کنند قدرت و مقام ممکن است انسان را فریب دهد، فوراً

هشدار می‌دهند که پایان زندگی مرگ است و باید به زندگی عالیه اخروی توجه کرد.» (رنجبر، ۱۳۷۹: ۳۲۳)

این دو شاعر در یافتن تعبیر تحقیرآمیز و مذمت باری که برای دنیا به کار برده‌اند فراوان از آموزه های دینی بهره برده‌اند که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

ابوالقاسم فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی، بین سال های ۳۲۵ تا ۳۲۹ هجری متولد شد و « در اوان سی و پنج یا چهل سالگی در صدد نظم شاهنامه برآمد و نزدیک به بیست (یا بیست و پنج یا سی و پنج) سال از عمر خود را برسر این کار گذاشت و یک بار نسخه‌ای از شاهنامه را در سال ۳۸۴ به پایان رساند و بار دیگر در سال ۴۰۰ هجری تمام کرد و عاقبت در حدود ۴۱۱ یا ۴۱۶ وفات یافت.» (مینوی، ۱۳۷۲: ۳۵)

در سراسر این کتاب عظیم هیچ داستان یا روایتی را نمی‌یابیم که یاد خدا به نحوی در آغاز یا انجام آن نیامده باشد. شاهنامه به طور کلی کتابی است که اعتقاد به خدا یا تار و پود آن آمیخته است.

نکته‌ای که در شاهنامه کاملاً مشخص بوده و نشان دهنده تأثیر قرآن و آموزش‌های اسلامی بر فردوسی است، عفت کلام چشم‌گیر او است. «از عفت قلم و زبان فردوسی است که در سراسر شاهنامه یک لفظ رکیک و زشت به چشم نمی‌خورد. حتی در مواردی که شہوات جنسی را تشریح می‌کند چنان مطالب را در لفافه عبارات بلیغ و رسا و دور از زشتی بیان می‌کند که واقعاً موجب اعجاب و تعجب است. اگر از ابتدا تا انتهای شاهنامه را استقصاء و همه نصایح و اندرزهای اخلاقی فردوسی را استخراج کنند منظومه پند نامه‌ای بسیار خوب تهیه می‌شود که شایسته تدریس در مدارس است.» (دهباشی، ۱۳۷۰: ۵۹۸)

ابوالعتاهیه

ابوالعتاهیه اسماعیل بن قاسم بن سوید از موالی بنی عنزه در سال ۱۳۰ هجری در عین التمر از توابع کوفه به دنیا آمد. (اصفهانی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۶).

«پدر و مادرش اشتہاری نداشتند، پدرش حجام بود و او خود و برادرش زید دردکان کوچکی در کوفه سفال فروشی می‌کردند. او در کوفه پرورش یافت. به لہو و لعب و خود آرائی و عیاشی سخت مشتاق بود و

با هرزگان و لابلایان همدم و همدل . چون شعرش رنگ و رونقی یافت هوای دربار خلفا در سرش افتاد و از کوفه راهی بغداد شد. در زمان خلافت مهدی (۱۵۹ - ۱۶۹) به بغداد آمد و در زمره مقربان خلیفه درآمد، چنانکه همنشین خلوت و رفیق گرمابه و گلستان او گردید و در مدایح او، قصائد پرداخت و صلات فراوان دریافت کرد.» (الفاخوری، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

«شاعر در سال ۱۸۰ هـ از غزلسرای و مدح اعراض کرد و جز موارد اندکی به سرودن زهدیات و وعظ و اندرز و ذکر مرگ و هول و هراس آن مشغول شد. او در سال ۲۱۰ در بغداد وفات یافت.» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۲۳. ج ۴: ۳۵).

«مضامین اشعار ابوالعتاهیه بیشتر حول محور موضوعاتی از قبیل مرگ، بی وفایی و بی ارزش بودن دنیا، تقوی، پرهیزگاری، دعوت به احسان و نیکوکاری و فضائل اخلاقی؛ همچون قناعت، مناعت طبع، عفت و پاکدامنی دور می زند که در آن از قرآن و احادیث رسول اکرم (ص) و گفتار امام علی (ع) و پند واعظان بهره ها برده است.» (علیان احمد، ۱۴۱۱: ۳۷).

در جهان‌بینی اسلامی، آفرینش موجودات بر مبنای حکمت و مصلحت و غایت شکل گرفته که جز حق محض و عدل محض نیست. همچنین جهان‌بینی اسلامی بر توحید ناب استوار است و بدگمانی نسبت به مخلوقات الهی صحیح نیست، بنابراین منطق دین در نكوهش دنیا هرگز متوجه جهان آفرینش نیست؛ «از طرف دیگر انسان در نظام کلی خلقت همواره با یک سلسله علایق و تمایلات آفریده شده و این تمایلات جزء سرشت اوست. او خودش اینها را کسب نکرده و بعلاوه، این علایق زائد و بی جا نیست. تمام تمایلات و عواطف در سرشت بشر متوجه هدف و غایاتی حکیمانه است؛ بنابراین منطق اسلام در نكوهش دنیا هرگز متوجه جهان آفرینش نیست.» (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۷۶)

« از برای انسان دو دنیا است : یکی ممدوح و یکی مذموم. آنچه ممدوح است حصول در این نشئه که دارالتربیه و دارالتحصیل و محل تجارت مقامات و اکتسابات کمالیه و تهیه زندگی سعادت‌مندانه است که بدون ورود به اینجا امکان پذیر نیست.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ۲۱)

در قرآن کریم نیز بر همین معنا تاکید شده است: در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از آخرت فراموش مکن (قصص: ۷۷)

همچنین امام علی (ع) در پاسخ شخصی که دنیا را نکوهش می کرد فرمودند: «دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آن کس که با آن به راستی رفتار کند، خانه تندرستی است برای آنکه چیزی از آن بفهمد، سرای بی نیازی است برای آن کس که از آن توشه بگیرد، محل اندرز است برای آن کس که از آن اندرز گیرد، سجده‌گاه دوستان خداست و نمازگاه فرشتگان پروردگار، و محل نزول وحی الهی و تجارتخانه اولیاء حق است. آنان در اینجا رحمت خدا را بدست آوردند و بهشت را سودای خود قرار دادند.» (نهج البلاغه: حکمت ۱۲۶)

فردوسی حکیم طوس خود دنیا را مذمت نمی‌کند بلکه خداوند را به خاطر نعمت‌ها ستایش می‌کند و مخلوقات خدا را از نشانه‌های عظمت و بزرگی خداوند می‌شمارد و بیان می‌کند که همه مخلوقات بر یگانگی خداوند شهادت می‌دهند.

خرد داد و گردان سپهر آفرید درشتی و تندی و مهر آفرید

۲۱۷/۱

چو دریا و کوه و زمین آفرید بلند آسمان از برش بر کشید

۸۶۶/۱

شب و روز و گردان سپهر آفرید خور و خواب و تندی و مهر آفرید

۴۹۴/۱

شب و روز و گردان سپهر آفرید چو بهرام و کیوان و مهر آفرید

۱۲۴۸/۲

ز خاشاک ناچیز تا عرش راست سراسر به هستی یزدان گواست

۱۲۳۱/۲

دنیای ممدوح

ابوالعتاهیه دنیا را برای به دست آوردن تقوای الهی و برخورداری شدن از توشه ستایش می‌کند و بیان می‌کند دنیا برای انسان‌های با تقوا خانه خوبی است و این که دنیا مایه عبرت است خدا را ستایش می‌کنیم و اگر دنیا همراه دینداری باشد بسیار هم خوب است. شاعر نعمت‌های دنیا را مورد نکوهش قرار نمی‌دهد، بلکه موضع‌گیری انسان نسبت به دنیا است که موجب می‌شود دنیا مورد نکوهش واقع شود:

السعی فی طلب التقی من خیر مکتسب الکسب ۵۳
ایا صاح ان الدار دار تبلغ الی برزخ الموتی و دار تزود ۱۱۳
اصبحت الدنیا لنا عبره و الحمد لله علی ذلک ۲۳۶
ما احسن الدنیا و اقبالها اذا اطاع الله من نالها ۱۸۳
ما احسن الدین والدنیا اذا اجتمعا و اقبح الکفر و الافلاس بالرجل ۲۵۶

نکوهش دنیا

در برخی آیات و روایات دنیا و اهل دنیا مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

« شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا دنیا جای پایداری نیست » (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۲)

« دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست » (انعام، ۳۲)

« زندگی دنیا جز کالایی فریبنده نیست » (حدید، ۲۰)

فردوسی با الهام از قرآن و احادیث به مذمت دنیا پرداخته و چنین می‌گوید:

گذر جوی و چندین جهان را مجوی گلش زهر دارد به سیری مجوی ۱۴۶۶/۲
ز گیتی ندانی سخن جز دروغ بکثری گرفتن ز هر کس فروغ (۱۰۳۸/۲)
نبندم دل اندر سرای سپنج ننازم به تاج و ننازم به گنج ۱۲۲۷/۲

چنین است رسم سرای فریب نشییش بلند و فرازش نشیب ۱۸۶۱/۲
 زمانه سراسر فریب است و بس نباشد به سختیش فریاد رس (۶۸۸/۱)
 ابوالعناهیة هم در اشعارش به مذمت و ناپایداری دنیا می پردازد، از دیدگاه او دنیا باید نکوهش
 شود؛ زیرا آنچه را که خداوند مذموم دانسته نباید ستایش شود و بدان دل بست:
 فلا تحمد الدنيا و لكن ذمها و ما بال شیء ذمه الله یحمد ۱۰۶/۱

دنیا گذرگاه و آخرت قرارگاه

جهان طبیعت همواره در حال تغییر، تحول و حرکت از قوه به فعل است و حرکت سمت و سویی به
 نام هدف را تعقیب می کند و وقتی به هدف رسید ثابت می شود نه ساکن؛ زیرا در جهان سکون نیست.
 «دنیا قرارگاه نیست، بلکه گذرگاه است و هر گذرگاهی به قرارگاهی پایان می پذیرد. دنیا متغیر و متحول
 است و سرانجام ثبات و آرامش می طلبد و به تعبیر دیگر دنیا همچون یک کشتی متحرکی است که باید
 در جایی لنگر اندازد.

از دیدگاه قرآن لنگرگاه این کشتی پرجوش و خروش قیامت است.» (جوادی آملی، ج ۴، ۱۳۸۲: ۸۸)
 «زندگی دنیا متاع اندک و ناچیز است و آخرت سرای قرار و ثبات است.» (مؤمن: ۳۹).
 امام علی (ع): «دنیا گذرگاه و معبر و آخرت قرارگاه و مقر است پس از گذرگاهتان توشه ای برای
 قرارگاهتان بردارید.» (نهج البلاغه: خطبه ۲۰۳)
 فردوسی نیز مضامین فوق را هنرمندانه در اشعار خود منعکس می کند و به تفسیر آن می پردازد و با
 عبارات گوناگونی گذرگاه بودن دنیا و قرارگاه بودن آخرت را مورد تأکید قرار می دهد و آرامش را در
 دنیای دیگری می داند.

همی بگذرد بر تو ایام تو سرایی جز این باشد آرام تو ۲۸۸/۱
 ترا شهریارا جز اینست جای نماند کسی در سپنجی سرای ۵۴۸/۱
 مرزید خون از پی تاج و گنج که برکس نماند سرای سپنج ۱۴۷۱/۲

نماند بر این خاک جاوید کس ز هر بد به یزدان پناهید و بس ۱۴۰۵/۲

ابوالعتهیه نیز بر ناپایداری دنیا و پایداری آخرت تأکید می‌کند و دائماً مضامین دینی به عنوان شاهد در اشعارش تجلی پیدا می‌کند.

لعمرك ما الدنيا بدار بقاء كفاك بدار الموت دار فناء ۱۴۳

اف للدنيا فليست بدار انما الراحه في دار قرار ۱۴۳

ان داراً نحن فيها لدار ليس فيها لمقيم قرار ۱۴۳

فراز و نشیب در زندگی دنیا

«معمولاً چنین نیست که انسان تمام عمر خود و سرتاسر دوران زندگی خود را با مرض و سختی سپری سازد و تمام عمر در بدبختی و ناکامی به سر برد، بلکه هرکسی هم خوشی و هم ناخوشی داشته و خواهد داشت، تحولاتی که به وقوع می‌پیوندد مهم نیست، مهم آن است که آدمی ببیند و بیندیشد که این روزگار چقدر تحول و پستی و بلندی دارد و چگونه این تحولات و فراز و نشیب‌ها رقم می‌خورد و سرنوشت آدمی را متحول می‌سازد». (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۷۲)

امام علی (ع) می‌فرماید: «تو از اجل خود پیشی نخواهی گرفت و آنچه روزی تو نیست به تو نخواهد رسید و بدان که روزگار دو روز است روزی به سود تو و روزی به زیان تو و همانا دنیا خانه دگرگونی هاست و آنچه به سود تو است هر چند ناتوان باشی خود را به تو خواهد رساند و آنچه به زیان تو است هر چند توانا باشی دفع آن نخواهی کرد.» (نهج البلاغه: نامه ۷۲).

فردوسی زندگی مردم را این‌گونه به تصویر کشیده که گاهی تلخی و بدبختی و گاهی روزگار خوشی است، گاهی گنج و گاهی رنج، یکی در ناز و نعمت، دیگری در خشونت و سختی، گاهی نوش و گاهی

زهر. گاهی شادی، گاهی غم، گاهی بر بلندی و فراز گاهی در نشیب، همه اینها در مقابل مرگ یکسان هستند و مرگ آنها را فرا می گیرد:

گهی زو فراز آید و گه نشیب گهی شادمانی و گاهی نهیب ۱۲۶۴/۲
چنین است کردار گردان سپهر گهی درد پیش آردت گاه مهر ۱۲۲۷/۲
چنین است کردار گردنده دهر گهی نوش یابیم از او گاه زهر ۹۷۲/۲
کزو شادمانیم و زو ناشکیب گهی در فراز و گهی در نشیب ۱۰۹۸/۲
چنین است آیین گردنده دهر گهی نوش بار آورد، گاه زهر ۱۶۸۷/۲
از این دو یکی نیز جاوید نیست بودن ترا راه امید نیست ۱۵۵۶/۲

ابوالعتاهیه اشاره می کند به این که انسان در دنیا به یک حالت باقی نمی ماند. اگر سختی و گرفتاری برای انسان پیش می آید دایمی نیست و امید گشایش باید داشت، خداوند به فرد احمق روزی می رساند و گاهی فرد عاقل را در رنج و سختی قرار می دهد، این به خاطر ابتلا و آزمایش انسان است. خلاصه این که طبیعت روزگار این گونه است و افراد برای همیشه بر یک حالت باقی نمی مانند:

هون علیک مضایق ال.... دنیا تعد سبلا فجاجا
لا تضجرن لضیق... یوما فان لها انفراجاً ۹۲
یرزق الاحمق رزقاً واسعاً وترى ذا اللب معسوراً" بکد ۱۰۶
وما الدهر یوما واحداً" فی اختلافه و ما کل ایام الفتی بسواء
و ما هو الا یوم یؤس و شده و یوم سرور مره و رخاء ۱۸

عبرت از گذشتگان

« در آموزه‌های دینی عبرت از گذشته و گذشتگان مورد توجه قرار گرفته و مطالعه و دانستن جزئیات تاریخی اثر زیادی در روح انسان می‌بخشد. نتیجه اولیه آن این است که آدمی ماهیت زندگی دنیا را بهتر می‌شناسد و پی می‌برد که این خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و قوت‌ها و نیروها و سلطنت‌ها و حکومت‌ها و کاخ‌ها همگی زایل و ویران شده‌اند و صاحبان آنها مرده‌اند و ما نیز بدون استثناء به این نقطه خواهیم رسید و روزی از این دنیا رخت بر می‌بندیم و در یک کلام می‌یابیم که دنیا محل گذر است و جای اقامت نیست.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۷۶)

امام علی (ع) می‌فرماید: «دنیا بهترین پند آموز برای تو است، اگر از دگرگونی‌های حالاتی که به تو نشان می‌دهد و از جدایی و پراکندگی‌ای که برای تو اعلام می‌کند پند گیری.» (آمدی، ۱۳۶۲: ۳۶۲)

امام علی (ع): «کجایند آنان که تا دور دست‌های زمین پادشاهی می‌کردند.» (همان: ۳۸۱)

فردوسی می‌گوید: کل جهان برای انسان عبرت است اما انسان چرا باید در غفلت به سر برد؟ توجه به گذشته و گذشتگان را به انسان متذکر می‌شود و بیان می‌کند که همه آنها عاقبت از این دنیا رخت بر بستند:

جهان سر به سر عبرت و حکمت است چرا زو همه بهر من غفلت است ۳۵۱/۱
 کجا آن بزرگان با تاج و تخت کجا آن سواران پیروز بخت
 کجا آن خردمند کندآوران کجا آن سرافراز جنگی سران
 کجا آن گزیده نیاکان ما کجا آن دلیران پاکان ما
 همه خاک دارند و بالین خشت خنک آن که جز تخم نیکی نکشت ۱۲۲۷/۲

ابوالعطاءیه هم بیان می‌کند که خدا را سپاس می‌گوییم که این دنیا را برای ما پند و عبرت قرار داد و نگاهی به گذشتگان می‌اندازد و یادآور می‌شود که آنها در هر درجه و مقامی که بودند از دنیا رفتند و تو هم باید آماده رفتن باشی:

اصبحت الدنيا لنا عبره والحمد لله على ذلك ۲۳۶

این الملوک بنو الملوک فکلهم امسى و اصبح فى التراب رفاتا ۷۲
این نمروود و ابنه، این قارون و هامان این ذوالاوتاد
انّ فى ذکرهم لنا لاعتباراً و دليلاً على سبيل الرشاد ۱۰۹

انباردار دیگران مباش

استفاده از نعمت‌های حلال دنیا امری مطلوب است، ولی تعلق و وابستگی به آن امری نکوهیده است. انسان نباید تمام تلاش و کوشش‌های خود را صرف گردآوری مال نماید و نسبت به آخرت بی‌توجه باشد که در این صورت اموال به جای مانده از او جهت استفاده بازماندگان است که آنها هم در روز قیامت سودی به حال انسان نخواهند داشت.

امام علی (ع) می‌فرماید: «ای فرزند آدم در آنچه افزون از قوت خویش بدست آورده ای خزانه دار دیگران گشته ای.» (نهج البلاغه: حکمت ۱۸۳).

باز در جای دیگری می‌فرماید: «نهایت کوشش را در زندگی داشته باش و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش» (همان: نامه ۳۱).

فردوسی هم سفارش می‌کند که رنج‌های دنیا متوجه انسان است، ولی وراثت انسان به آسانی اموال به جا مانده را مصرف می‌کنند، بنابراین شایسته است که انسان از نعمت‌های الهی به جا استفاده کند و به دیگران هم ببخشد، ولی ذخیره سازی برای دیگران را ناپسند می‌شمارد و آنها را به منزله دشمن می‌داند زیرا سودی به حال انسان نخواهند داشت:

تو را زین جهان شادمانی بس است کجا رنج تو بهر دیگر کس است
تو رنجی و آسان دگر کس خورد سوی گور و تابوت تو ننگرد ۴۰۴/۱
بخور هرچه داری منه باز پس تو رنجی چرا ماند باید به کس ۱۱۲۹/۲
بخور هر چه داری به فردا مپای که فردا مگر دیگر آیدش رای
بخور هر چه داری فزونی بده تو رنجیده‌ای بهر دشمن منه ۱۸۴۳/۲

ابوالعطاءیه سفارش می‌کند ای کسی که در دنیا دائماً جمع آوری می‌کنی، این جمع آوری مال برای کیست در حالی که تو خواهی مرد و اشاره می‌کند کسانی که اموال برای وراثت خود جمع آوری و ذخیره سازی کنند بعد از مرگ از آن اموال بهره مند نخواهند شد و در دنیا خانه می‌سازی در حالی که در آن سکونت نخواهی کرد و دیگران از آن استفاده می‌کنند:

ایا جامع الدنيا لغير بلاغه لمن تجمع الدنيا و انت تموت^{۸۵}
یا جامع المال الكثير لغيره ان الصغير من الذنوب كثير^{۱۳۵}
یا جامع المال في الدنيا لوارثه هل انت بعد الموت تتنفع
ایا جامعی الدنيا لمن تجمعونها وتبنون فيها الدور لاتسكنونها^{۳۳۸}

دنیا سرای فریب

«دنیا ماهیتی فریبنده و اغفال کننده دارد و مظاهر پر زرق و برق و خوشی‌های کاذب آن چه بسا ممکن است انسان را فریب دهند، به همین دلیل ضروری است تا می‌تواند خویشتن را از جاذبه‌های خطرناک و گناه‌آلود دنیا دور سازد و در بهره‌وری از لذت‌های مشروع آن نیز میانه‌روی پیش گیرد و پیوسته متوجه فریبندگی و گذرا بودن نعمت‌های دنیا باشد.» (جلالی، ۱۳۸۲: ۵۲).

«و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.» (آل عمران: ۱۸۵).

امام علی (ع) در وصف دنیا: «می‌فریبد و زیان می‌زند و می‌گذرد، خداوند متعال آن را نه به عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده و نه کیفری برای دشمنانش» (نهج البلاغه: حکمت ۴۱۵)

فردوسی فریبندگی دنیا را با الهام از آیات و روایات به گونه ای زیبا ترسیم می‌کند:

که گیتی سراسر فریب است و بند گهی سودمند است و گاهی گزند^{۵۳۵/۱}
زمانه سراسر فریب است و بس نباشد به سختیش فریادرس^{۶۸۸/۱}
بدان ای پسر کاین سرای فریب ندارد ترا شادمان بی‌نهی^{۲۲۷/۲}
چنین است کردار این پرفریب پس هر فرازی نهاده نشیب^{۷۲۱/۱}

گذر جوی و چندین جهان را مجوی گلش زهر داد به سیری مبوی ۱۴۶۶/۲
 ابوالعناهیة هم مانند فردوسی فریبندگی دنیا را در ابیات متعددی مورد اشاره قرار داده است و دنیا را
 سرای فریب می‌داند و مانند درخشش سراب در بیابان است و همچنین سرای فراز و نشیب است. و بیان
 می‌کند که بازگشت همه به سوی خداست و ماهیت دنیا فریبندگی است:

انما الدنیا غرور کلها مثل لمع الامال فی الارض القفار ۱۴۳

فلا تغتر بالدنیا فان جمیعها غرور ۱۵۰

الا انما الدنیا متاع غرور و دار صعود مره و حدود ۱۵۳

الا الی الله تصیر الامور ما انت یا دنیای الاغرور ۱۵۴

نیکی کردن در دنیا

یکی از اموری که در آموزه های دینی مورد تأکید قرار گرفته و موجب آباد کردن دنیا و آخرت انسان
 می باشد، انجام اعمال نیک و نیکی کردن در حق دیگران است.

«برای کسانی که نیکی کنند پاداش نیکو افزونی است و چهره شان را دود سیاه فرانگیرد و غبار ذلت
 نپوشاند، اینان بهشتیانند که در آن جاویدانند.» (یونس : ۲۶)

فردوسی نیکی کردن به هم‌نوع را سفارش می‌کند و نیکی را موجب پایدار ماندن نام انسان و موجب
 وارد شدن به بهشت می‌داند و از بدی کردن به دیگران بر حذر می‌دارد:

جز از نیک نامی و فرهنگ و داد ز کردار گیتی مگیرید یاد ۱۱۰۳/۲

نباشد جهان بر کسی پایدار همه نام نیکو بود یادگار ۱۱۷۹/۲

تو تا زنده‌ای سوی نیکی گرای مگر کام یابی به دیگر سرای ۱۰۵۸/۲

نگیرد ترا دست جز نیکویی گر از پیر دانا سخن بشنوی ۱۰۶۱/۲

به کوشش بجوییم خرم بهشت خنک آن‌که جز تخم نیکی نکشت ۱۳۰۷/۲

همه سر به سر دست نیکی برید همانا جهان را به بد مسپرد ۱۴۱۸/۲

که نیک است اندر جهان یادگار نماند به کس جاودان روزگار ۷۹۹/۱

ابوالعتاهیه هم نیکی کردن را موجب ماندگاری نام انسان، بهترین توشه را تقوی، بهترین کار را نیکی - کردن، و تقوی و نیکوکاری را بهترین ذخیر می داند و از بدی نمودن در حق دیگران هشدار می دهد:

فاحی ذکرک بالاحسان تفعله یکن کذلک فی الدنیا حیاتان ۳۱۶

تزود من الدنیا التقی و النهی فقد تنکرت الدنیا و حان انقضاءها ۲۱

الخیر افضل مالزمتا و الشر اخبث ما طمعتا ۷

لیعلمن الناس ان التقی و البر کانا خیر ما یذخر ۱۴۱

خوشی و رنج دنیا

اگر بر احوالات دنیا نظری افکنده شود ملاحظه می شود که راحتی و آرامش در دنیا وجود ندارد و اگر آن را نسبت به بهشت عدن که خداوند وعده داده مقایسه کنیم می بینیم که دنیا پر از رنج و گرفتاری است و اساس آن بر سختی و گرفتاری نهاده شده است.

ویژگی دنیا این است که کسی در آن به راحتی نمی رسد و لذت بدون درد و رنج در آن پیدا نمی شود و اگر خوشی و سلامتی و گنجی نصیب او گردد همراه با رنج و سختی و گرفتاری و مشکل است؛ بنابراین شایسته است که انسان خودش را برای دنیایی آماده سازد که در آن راحتی و آسایش و لذت و بدون رنج و گرفتاری باشد.

امام علی (ع) در توصیف دنیا می فرماید: «قدرتش نوبتی، عیشش تیره، گوارایش شور، شیرینیش تلخ، غذایش زهر، ریسمان هایش پوسیده، زنده اش دستخوش مرگ، سالمش در معرض بیماری، دارایش از کف رفتنی، قدرتش شکست خوردنی، ثروتمندش اسیر رنج و گرفتاری و پناهنده به آن تاراج شونده است. «(نهج البلاغه: خطبه ۱۱۱).

و نیز در توصیف دنیا می فرماید: «ابتدای آن رنج و فرجامش نیستی و فنا است». (همان: خطبه ۸۲). همین نگاه را فردوسی به دنیا دارد و بیان می کند: هیچ کس در دنیا از رنج و گرفتاری رها نیست و هر قدر انسان هم به درجات والایی برسد نمی تواند از سختی های روزگار در امان باشد:

همین خارستان چون سرای سپنج کزو ناز و گنجست و هم درد و رنج ۱۳۹/۱
 چنین بود تا بود گردان سپهر که با نوش زهر است و با جنگ مهر ۲۳/۷۱
 گر ایوان من سر به کیوان کشید همی زهر گیتی بیاید چشید ۳۷۲/۱
 به رنج است گنج و به بام است رنج همانا که نامت به آید ز گنج ۴۰۳/۱
 نترسی به رنج و ننازی به گنج به گیتی ز گنجت فرون است رنج ۸۳۸/۱

ابوالعتهیه با الهام از بیانات امام علی (ع) آشکارا این مسأله را مورد توجه قرار داده و رسیدن به راحتی و خوشی بدون برخورداری از سختی و گرفتاری را غیر ممکن می‌داند و بیان می‌کند لذت آن همراه رنج و شیرینی آن قرین تلخی است:

حلاوتها ممزوجه بمراره و راحتها ممزوجه بعناء ۱۸
 و ان حلو الدنيا غداً غیر شک لمر و مرها حلو ۳۵۹
 رب امر یسوء ثم یسر و کذلک الامور حلو و مر ۱۳۲

حکیم طوس بیان می‌کند که شادکامی در این دنیا زیاد نیست و انسان در دنیا به گرفتاری و بلاهای زیادی دچار می‌شود و درد و رنجی که در سرای سپنج وجود دارد زیاد است و رسم روزگار هم چنین است که آغازش رنج و پایان آن هم رنج است و جز رنج چیزی بهره انسان نمی‌شود. این سفارش‌ها شاید اشاره به این باشد که دلبستگی به دنیای پر رنج و درد نباید پیدا کرد:

نماند چنین دان جهان بر کسی درو شادکامی نیابی بسی ۵۹/۱
 که چندین بلاها بیاید کشید ز گیتی همی زهر باید چشید ۳۳۰/۱
 که گیتی سپنج است پر درد و رنج بد آنرا که با غم بود در سپنج ۵۳۹/۱
 نبینی مگر گرم تیمار و رنج برین است رسم سرای سپنج ۵۳۹/۱
 چه جویی همی زین سرای سپنج کز آغاز رنج است و فرجام رنج ۱۰۵۸/۲
 چنین گفت پس کاین سرای سپنج نیابند جویندگان جز به رنج ۱۶۵۳/۲

ابوالعتاهیه هم در خصوص پر از رنج و درد بودن دنیا با حکیم طوس هم عقیده می باشد و دنیا را سراسر پر از گرفتاری و سختی می داند و هر قدر انسان بخواهد در دنیا خوشی و آسایش را هم طلب نماید چیزی جز غم و اندوه و گرفتاری نصیب او نمی شود:

نحن فی دار بلاء و اذی و شقاء و عناء ۶۵
و دار الفناء و دارالغیر هی الدار دار الاذی و القذی
ما زالت الدنیا منغصه لم یخل صاحبها من البلوی
دارا الفجائع والهموم و دا ربؤس و الاحزان و الشکوی ۲۷
طلبتک یادنیا فاعذرت فی طلب فمانلت الا الهم و الغم و النصب
ما اری الدنیا علی کل حی نالها الا اذی و عذاباً ۵۱

تلاش برای دنیا

با این که دلبستگی به دنیا در آموزه های دینی مورد نکوهش واقع شده اما تلاش و کوشش در دنیا برای برخورداری از نعمت های الهی مورد توجه و تشویق قرار گرفته است.

در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را طلب کن و بهره ات را در دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن. (قصص: ۷۷)

پیامبر (ص): « برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده می مانی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد». (مجلسی، ۴۰۳، ج ۴۴: ۱۲۹).

فردوسی استفاده از نعمت های الهی و تلاش برای زندگی و دوری از سستی و تنبلی را مورد توجه قرار داده است و انسان بیکار و پرحرف را مورد نکوهش قرار می دهد:

بدار و پیوش و بیارای مهر نگه کن بدین گرد گردان سپهر
بنوش و بناز و پیوش و بخور ترا بهره این است زین رهگذر ۴۰۱/۱
از امروز کاری به فردا ممان که داند که فردا چه گردد زمان

هر آنکه که در کار سستی کنی همه رای ناتندرستی کنی ۱۴۳۲/۲

تن آسانی و کاهلی دور کن بکوش وز رنج تنت سورکن ۱۴۷۹/۲

دل مرد بی‌کار و بسیار گوی ندارد به نزد کسان آبروی ۱۴۳۲/۲

ابوالعتاهیه برخورداری از مال و دارایی را به عنوان توشه نزد خداوند مورد تشویق قرار می دهد و دنیا را به عنوان گذرگاه و سرای موقت و پلی برای رسیدن به آخرت می داند و تاجر حقیقی را کسی می داند که از سپاس و پاداش برخوردار شود:

و اجعل المال الى الله زادا و اجعل الدنيا طريقاً و جسراً

انما التاجر حقاً يقيناً تاجر يربح حمداً واجراً ۱۴۹

تقوی توشه اخروی

از آنجا که مال و فرزند و بستگان در روز قیامت برای انسان سودی ندارد و نمی توانند گرفتاری و گناه انسان را برطرف نمایند، در آموزه های دینی آمده است که برای آن دنیا توشه بردارید تا شما را از آتش جهنم برهاند و گرفتار عذاب دردناک نشوید و بهترین توشه، تقوی و راستی است.

امام علی (ع): «در هیچ یک از توشه های دنیا خبری نیست مگر در تقوی». (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۱).

«برای خود توشه بردارید زیرا بهترین توشه پرهیزکاری است، ای، خردمندان از من پروا کنید.» (بقره: ۱۹۷).

فردوسی نقش تقوی را در برخورداری از بهشت جاویدان کلیدی می داند و بهترین توشه را برای سربلندی در دنیا و آخرت برخورداری از تقوی و راستی می داند:

چو بی‌رنج باشی و پاکیزه رای ازو بهره یابی به دیگر سرای ۱۴۹۳/۲

همه پاک پوش و همه پاک خور همه پندها یاد گیر از پدر

ز یزدان گشای و به یزدان گرای چو خواهی که باشد ترا رهنمای ۱۵۹۱/۲

چو با داد بگشاید از گنج بند بماند پس از مرگ نامش بلند ۱۴۸۱/۲

نماند برین خاک جاوید کس ترا توشه از راستی باد و بس ۱۴۰۹/۲

که دارنده اویست و هم راهنمای همو دست گیرد به هر دو سرای ۱۴۴۱/۲
 ابوالعتاهیه هم عزت و سربلندی در آخرت را برداشتن توشه تقوی و برخورداری از صفت تقوی و راستی
 می‌داند:

ما الفخر الا فی التقی و الزهد و طاعه تعطی جنان الخلد ۱۰۴
 لافخر الا فخر اهل التقی غداً اذا ضمهم المحشر ۱۴۰
 تزود من الدنیا فانک شاخص الی المنتهی و اجعل مطیتک الصدقا ۲۱۸
 تزودن للموت زاداً فقد نادى منادیه الرحیل الرحیل ۲۵۴

مرگ پایان زندگی دنیوی

در آموزه‌های دینی، مرگ قانونی کلی و استناد ناپذیر است و هرکسی که در دنیا زندگی می‌کند، روزی
 مرگ سراغش خواهد آمد و با این دنیا وداع خواهد گفت.

«قوانین ترمودینامیک بیانگر آن است که پدیده‌های این جهان به تدریج، حرارت خود را از دست خواهند
 داد، و روزی درجه حرارت اجسام به صفر مطلق خواهد رسید و در آن روز حیات از بین خواهد رفت،
 این چیزی است که دانش جدید به آن رسیده است و قرآن هم مرگ را یک قانون الهی فراگیر می‌داند».

(سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۲۱۲).

«همه کس مرگ را می‌چشد.» (آل عمران: ۱۸۵).

«هر کجا باشید اگر چه در حصارهای سخت استوار مرگ شما را در می‌یابد.» (نساء ۷۸).

«امام علی (ع): هر زنده ای را مرگی است.» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۶۵۹)

فردوسی هم پایان زندگی دنیا را مرگ می‌داند و بیان می‌کند که هیچ کس در آن جاودانه نیست و از
 مرگ گریزی نیست و همه موجودات عالم روزی از این دنیا گذر خواهند کرد و مرگ همه آنها را شکار
 می‌کند:

چنین است رسم سرای سپنج نمائی در او جاودانی مرنج
 نه دانا گذر یابد از چنگ مرگ نه جنگ آوران زیر خفتان و ترگ
 اگر شاه باشی و گر زردهشت نهالی ز خاکست و بالین زخشت
 چنان دان که گیتی ترا دشمن است زمین بستر و گور پیراهن است ۸۳۶/۱
 ز مادر همه مرگ را زاده ایم همه بنده ایم ار چه آماده ایم ۴۳۸/۱
 اگر چرخ گردان کشد زین تو سرانجام خشت است بالین تو ۱۸۴۴/۲
 رها نیست از چنگ و منقار مرگ پی پشه و مور با پیل و کرگ ۱۴۶۰/۲

ابوالعاهیه از مرگ به عنوان حقیقتی اجتناب ناپذیر یاد کرده و آن را سرنوشت محتوم آدمیان قلمداد نموده است.

ابوالعاهیه با توجه به مقدر بودن مرگ برای انسان چونان آموزگاری مشفق آنها را از هوی و هوس و زور مداری و مال پرستی بر حذر می دارد و می گوید که فرار از مرگ برای انسان سودی ندارد، هر قدر که عمر انسان هم طولانی شود سرانجام مرگ در انتظار اوست و همه از خدا هستیم و به سوی او می رویم و هیچ کس در این دنیا جاودان نیست:

یهرب المرء من الموت و هل ینفع المرء من الموت الهرب ۴۳
 لدوا للموت و ابنوا للخراب فکلکم یصیر الی تباب ۴۶
 لست بالباقی و لئو عم.... رت ما عمر نوح ۹۷
 و بدؤ هم کان عن ربهم و کل الی ربه عائد ۱۰۴
 لا صغیر یبقی علی حادث الده... رو لا یبقی مالک و قدیر ۱۴۱
 الا کل مولود فللموت یولد ولست اری حیاً لشیء یخلد ۱۰۶

نتیجه گیری

باتوجه به آنچه که ذکر شد، نتایج زیر را می توان در نظر گرفت:

- مضامین بلند و عمیق قرآن و روایات، همواره الهام بخش شاعران بزرگ عرب و عجم است.

- فردوسی و ابوالعتاهیه در تفسیر و تبیین ماهیت دنیا از آموزه‌های دینی بهره فراوانی برده‌اند.
- معانی مستفاد از اشعار این دو شاعر در بحث از دنیا بسیار به هم نزدیک است.
- اگر به دنیا به عنوان وسیله و ابزاری جهت رشد و تکامل آدمی نگاه شود مورد نکوهش نیست بلکه برعکس، امری نیکوست.
- افراد در دنیا بر یک حالت باقی نمی‌مانند و فراز و نشیب برای انسان‌ها در دنیا وجود دارد.
- رنج و گرفتاری و سختی دنیا را احاطه نموده و راحتی مطلق در دنیا دست نیافتنی است.
- از دنیا باید تقوی، نیکی و راستی را به عنوان توشه قیامت با خود برداشت.
- دنیا گذرگاه و آخرت خانه جاوید و قرارگاه است.
- پایان زندگی دنیا مرگ است، پس آمادگی برای پذیرش مرگ، باید امری معقول و قابل پذیرش دانسته آید.
- دل بسته نبودن به دنیا مستوجب کسب آمادگی افزون‌تر برای آخرت است.
- دنیا می‌بایست محل اعتبار انسان است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آمدی ، عبدالواحد ، (۱۳۶۲)، غرر الحکم و دررالکلم ، تحقیق ، میرجلال الدین محدث ارموی، دانشگاه تهران ، تهران
- ۴- اصفهانی، ابوالفرج،(۱۴۲۳)، الاغانی، دارالمصادر، بیروت
- ۵- ابوالعتاهیه، اسماعیل بن القاسم ، (۱۴۱۷)، دیوان شرحه الدكتور عمر فاروق، الطباع شرکه درالارقم ، بیروت .
- ۶- امیری ، جهانگیر، (۱۳۸۵)، تجلی مضامین قرآن کریم در شعر ابوالعتاهیه ، پژوهش دینی شماره ۱۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی .
- ۷- جلالی ، عبدالحسین ، (۱۳۸۲)، ماهیت دنیا ، امیر کبیر، تهران .
- ۸- جوادی آملی ، عبدالله ، (۱۳۸۲)، تفسیر موضوعی قرآن ، اسراء ، قم .
- ۹- دهباشی ، علی ، (۱۳۷۰)، فردوسی و شاهنامه ، مجموعه مقالات ، مدیر ، تهران
- ۱۰- رنجبر ، احمد ، (۱۳۷۹)، جاذبه های فکری فردوسی ، امیر کبیر ، تهران
- ۱۱- سبحانی ، جعفر ، (۱۳۸۳)، منشور جاوید ، امام صادق (ع) قم .
- ۱۲- فردوسی ، ابوالقاسم ، (۱۳۸۶)، شاهنامه براساس چاپ مسکو ، تهران
- ۱۳- الفاخوری ، حناء، (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات زبان عربی ، مترجم ، عبدالمحمد آیتی، توس ، تهران
- ۱۴- اللیثی الواسطی، علی بن محمد ، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ ، تحقیق ، حسین الحسنی البیرجندی ، دارالحديث ، قم
- ۱۵- محمد علیان ، احمد ، (۱۴۱۱)، ابوالعتاهیه حیات و اغراضه الشعریه ، دارالکتب اسلامیة بیروت .
- ۱۶- محمدی ری شهری ، محمد ، (۱۳۸۴)، میزان المحکمه ، مترجم ، حمید رضا شیخی ، دار الحديث قم
- ۱۷- مصباح یزدی ، محمد تقی ، (۱۳۸۰)، پند جاوید، موسسه علمی و پژوهشی امام خمینی ، قم

- ۱۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، سیری در نهج البلاغه، صدرا تهران
- ۱۹- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- ۲۰- مینوی، مجتبی، (۱۳۷۲)، فردوسی و شعر او، توس، تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی